

طراحی و اعتباریابی الگوی آموزش بزرگسالان روستایی کشور

عباس عباس پور*، محبی مهابر**، محمدجرب یکی*** و مین جهان‌پناه****

چکیده

هدف پژوهش ارائه الگویی مناسب برای آموزش بزرگسالان روستایی در کشور بود. پژوهش در رده تحقیقات کاربردی است که با دیدمان ترکیبی اکتشافی انجام شد. لذا در بخش کیفی پژوهش، روش تحقیق گروه کانونی و مصاحبه نیمه ساختار یافته و در بخش کمی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شد. جامعه پژوهش ۱۶۰۰ تن از کارگزاران نظام آموزش روستایی کشور بود. نمونه‌گیری کیفی پژوهش با روش غیر احتمالی هدفمند و کمی با روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. داده‌های بخش کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و بحث کانونی و بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته با ۳۹۳ نفر نمونه، که با فرمول کوکران تعیین شده بود، گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از روش کدگذاری سیستماتیک و در بخش کمی از شاخص‌های آمار توصیفی، آزمون Utest، تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌های کیفی پژوهش نشان دادند که مؤلفه‌های اولیه تشکیل‌دهنده الگوی مناسب آموزش روستاییان کشور دارای ۸ مؤلفه و ۳۲ زیر مؤلفه بودند. در بخش کمی نتایج مقایسه میانگین مؤلفه‌های به دست آمده حاصل از آزمون من ویتنی نشان داد بین میانگین موجود و میانگین مطلوب در تمامی مؤلفه‌ها تفاوت معناداری در سطح ۰/۱ وجود دارد و وضعیت موجود آموزش روستاییان مناسب نیست. نتایج دو مرحله تحلیل عاملی تأییدی نیز نشان داد که مؤلفه‌ها برای پیش‌بینی برنامه آموزش روستاییان در کشور بار عاملی کافی دارند. همچنین شاخص‌های برازش الگوی آموزش بزرگسالان روستاییان نشان می‌دهد که الگوی تدوین شده برازش مطلوبی دارد.

کلید واژه‌ها: آموزش بزرگسالان روستایی، الگوی آموزشی، سازمان آموزش و تحقیقات روستایی

* نویسنده مسئول: دانشیار و مدیر گروه مدیریت آموزشی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران Abbaspour1386@gmail.com

** دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

*** دانشیار سازمان تحقیقات ترویج و آموزش کشاورزی، تهران، ایران

**** دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه

در کشور ایران همواره بخش شایان توجه و در عین حالی تأثیرگذاری از جمعیت کشور در مناطق روستایی ساکن هستند و روستاها در ایران به عنوان کهن‌ترین شکل سکونتگاهی، و روستاییان از گذشته به عنوان اجتماعی پایه، نقشی اساسی در شکل‌گیری جامعه ایران و تمدن‌های آن داشته‌اند. فضای سکونتگاهی روستایی، بستری برای خلق ثروت از مسیر تولید و اشتغال مولد است. هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که از این بخش بی‌نیاز است، کشورهای ثروتمندتر و پیشرفته‌تر، به سبب آگاهی از جایگاه ویژه و اهمیت ارتباط این بخش بر توسعه سایر بخش‌های اقتصادی _ اجتماعی، حمایت و پشتیبانی بیشتری از روستاییان و به‌خصوص مولدان بخش روستایی خود به عمل می‌آورند. به همین سبب سرمایه‌گذاری نیروی انسانی و آموزش و توانمندسازی روستاییان و حمایت از این بخش برای حفظ و پایداری و نگهداشت روستاییان برای تأمین امنیت غذایی یک اصل در کشورهای جهان و از جمله کشورهای توسعه یافته به شمار می‌آید (ایروانی، ۱۳۹۴).

در کشور ایران نیز آن گونه که در اسناد بالادستی و چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای بخش روستایی و نیز برنامه‌های توسعه‌ای در حوزه نیروی انسانی ساکن در روستاها پیش‌بینی شده است، بازمهندسی فراگیر روش‌ها و برنامه‌ها با تأکید بر مهندسی ارزش، ارتقاء بهره‌وری در بخش، از طریق آموزش‌های سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده، انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه، و همچنین تحول در نیروی انسانی ساکن و شاغل در روستا، برای بهره‌مندی بیش از پیش از منابع انسانی توانمند، آگاه، متخصص، نوآور و کارآفرین، از جمله راه کارهای اساسی برای برقراری امنیت غذایی و تولید غذای سالم، پاک و خودکفا در محصولات اساسی و توسعه صادرات برای دستیابی به جایگاه اول کشاورزی در منطقه خاورمیانه محسوب شده است (بندهای، ۱۳، ۱۵، ۱۰، ۲، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بخش روستایی و کشاورزی). یا چنانچه در قانون‌های مربوط به آموزش بهره‌برداران و تولیدکنندگان روستایی (قانون تشکیل سازمان آموزش روستایی مصوبه سال ۱۳۵۴)، جز ۴ بند «ب» شرح وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی ابلاغیه ۱۳۸۱، جز «ح» ماده ۵ مصوبه هیات وزیران سال ۸۷، بند «ج» ماده ۳ و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه، مواد ۲۱، ۲۳ و ۳۱ قانون افزایش بهره‌وری در بخش توسعه روستایی ابلاغیه ۱۳۸۹ ریاست جمهوری) آمده است، ارتقاء

توان حرفه‌ای و مهارتی ساکنان و شاغلان و فعالان روستایی به‌منظور تأثیر بیشتر نقش افراد ساکن و شاغل در روستا و همچنین مدیریت زندگی اجتماعی و اقتصادی، از وظایف بخش آموزش بزرگسالان روستایی یاد شده است. لیکن با گذشت تقریباً ۱۴ سال از تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله (۱۳۸۲/۸/۱۳) و ۱۲ سال از ابلاغ رسمی سند مذکور، و طی سه برنامه توسعه، و گذشت ۴۰ سال از اولین قانون آموزش روستاییان، ناکامی در دستیابی به هدف‌ها به جهت ضعف در بهره‌وری از عوامل انسانی آشکار است (دفتر پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵).

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ از کل جمعیت ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفری کشور، ۲۰ میلیون و ۷۳۰ هزار و ۶۲۵ نفر (۲۵/۹ درصد) در روستاها ساکن هستند که این جمعیت در ۶۲ هزار و ۲۸۴ روستا توزیع شده‌اند، اما روستائیان به‌رغم اینکه حدود ۹۰ درصد از ارزش مواد غذایی مورد نیاز، ۳۲/۵ درصد از ارزش افزوده ناشی از کسب و کار کشور، یک چهارم تولید ناخالص ملی، ۹۰ درصد نیازهای مواد اولیه صنایع تبدیلی کشور و اشتغال مولد بیش از ۱۹ درصد نیروی انسانی کشور در ۳۴۰۰۰ فضای سکونتگاهی روستایی کشور را بر عهده دارند (حجتی، ۱۳۹۶)، متأسفانه این بخش با کاهش بهره‌وری کل در عوامل اجتماعی و به‌خصوص اقتصادی و تولیدی همراه بوده و میانگین عملکرد فعالیت‌های حرفه‌ای آن‌ها از سطح پایینی بهره‌مند است. چنانکه در سنوات گذشته برای جبران این نارسایی، سیاست‌های ابعاد توسعه برای روستائیان و روستاها عمدتاً از طریق تزریق مستمر یارانه و سایر عوامل تولید اقدام شده‌اند و به دلیل پایین بودن نگرش، دانش و مهارت‌های روستائیان، تأثیر و بازده ارزش افزوده نیروی انسانی این بخش در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی همواره کاهش یافته است. این در حالی است که سهم منابع انسانی در تولید و بازدهی اقتصادی روستائیان در کشور ژاپن ۸۰، آلمان ۷۸، ترکیه ۷۲ و ایران حداکثر ۳۴ درصد است (بریم نژاد، ۱۳۹۰).

عنوان بزرگسالان در پژوهش شامل کلیه کسانی است که ساکن و شاعل در روستاها بوده و در زمینه مهارت‌های اجتماعی و اقتصادی و حرفه‌ای از سن آموزشی خود بازمانده‌اند. همچنین ضرورت بحث برنامه آموزش بزرگسالان روستایی شامل کلیه فعالیت‌های آموزشی غیر رسمی در ابعاد نگرشی، دانشی و مهارتی است که در حوزه فضای سکونتگاه روستایی کشور توسط مراکز آموزش و تحقیقات روستائیان کشور انجام می‌شود و می‌تواند تأثیرات

چشم‌گیری بر بهبود عملکرد اجتماعی و اقتصادی و به‌خصوص شغلی و حرفه‌ای روستاییان به همراه داشته باشد. از این روست که تدوین الگوی آموزشی ضروریست که یادگیری و عملکرد بزرگسالان روستایی را تسهیل می‌کند (ایروانی، ۱۳۹۴).

آن گونه که جمعه‌پور (۱۳۸۹)، می‌گوید آموزش بزرگسالان روستایی در سطح فردی باعث تغییر بینش و احساس ارزشمندی و خوداتکایی، در سطح اجتماعی باعث تغییر نگرش و ایجاد زمینه پذیرش نوآوری‌های علمی و تحقیقاتی، و در سطح ملی باعث افزایش بهره‌وری در تولید از طریق ارتقاء تولید خودبستگی و معیشتی به تجاری می‌شود. به همین دلیل است که در میان مباحث توسعه روستایی، آموزش را باید از اصول بنیادی و به مثابه ریشه درخت توسعه نام برد.

در حوزه تأثیر برنامه مطلوب آموزش توانمندساز به بزرگسالان روستایی، تحقیقات نشان می‌دهد با وجود اینکه اصولاً ساکنان و به‌خصوص شاغلان روستایی، پایه اصلی تولید، به‌کارگیری و ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید در هر کشور به شمار می‌آیند، اما در ایران عامل اصلی توسعه‌نیافتگی روستاها کمبود اطلاعات اجتماعی و حرفه‌ای روستاییان است. فرسایش این منابع که بیشتر ناشی از کم‌سوادی، بی‌سوادی، به روز نبودن دانش و مهارت حرفه‌ای و شغلی آن‌ها نشأت می‌گیرد، مانع اصلی تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه روستایی و در نتیجه سایر بخش‌ها است. با توجه به اینکه فعالیت‌های این بخش از جنس مهارتی و عملیاتی است، ساکنان این بخش باید از دانش و مهارت کافی برای استفاده مؤثر و کارآمد از پتانسیل‌های مرتبط در فضای سکونتگاهی روستایی بهره‌مند باشند (حاجی‌میرحیمی، ۱۳۹۱).

همچنین تحقیق عبدالملی، پزشکی‌راد و چیدری (۱۳۹۲) در حوزه آموزش روستاییان نیز نشان می‌دهد که میزان آگاهی و دانش دو گروه ساکنان روستایی شرکت‌کننده در دوره آموزشی و افرادی که شرکت نکرده‌اند، اختلاف معناداری وجود دارد.

با وجود اینکه داشتن اطلاعات و دانش به عنوان اساسی‌ترین نیاز روستاییان برای دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب‌تر محسوب می‌شود، در دهه‌های گذشته، کارگزاران آموزش بزرگسالان کشور، به عنوان متولی امر توسعه منابع انسانی بخش، به جای ارائه بهره‌گیری از الگو و رهیافت‌های آموزشی مرتبط با ویژگی‌های روستاییان و کشاورزان، بیش‌تر بر پایه سلیقه و توان مدیران و مجریان بخش دولتی انجام شده است. از طرفی به جهت

کم‌توجهی سیاستگذاران امر، آموزش روستاییان دوران افت خود را سپری می‌کند و شاید مؤید این موضوع است که جایگاه خاصی برای برنامه‌های آموزش روستاییان و مردم ساکن در محیط روستا در نظر گرفته نشده و توجه به آموزش‌های اجتماعی و حرفه‌ای و شغلی روستاییان، همگام به سرمایه‌گذاری‌های نابرابر عظیم فرهنگی و آموزشی برای شهرها انجام نشده است (شعبانعلی فمی، ۱۳۹۳).

چیزدی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی رابطه بین روش آموزش به‌کار رفته در ارتقاء شرایط زندگی اجتماعی و به‌خصوص اقتصادی را در شهر داراب استان فارس بررسی کردند. نتایج نشان داد که بین این دو متغیر رابطه نسبتاً قوی و معناداری وجود دارد. در نتیجه لازمه حفظ و نگهداری روستاییان در روستاها برای بهره‌گیری مطلوب از منابع و عوامل پایه محیطی آنها، ارتقاء سطح دانش فنی و حرفه‌ای و آموزش مدیریت زندگی به آنها است.

علویان و نوری (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار بزرگسالان روستایی در به‌کارگیری خدمات آموزشی در استان گیلان نشان دادند، میزان رعایت اصول علمی در برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های آموزشی (بهره‌گیری از الگوی مطلوب آموزشی برای ایجاد رفتار جدید) می‌تواند تا ۴۵ درصد در نگرش و هنجار ذهنی بزرگسالان روستایی برای به‌کارگیری آموخته‌ها در شرایط بهبود زندگی اجتماعی و شغلی آنها مؤثر باشد. آنها نتیجه گرفتند که شناسایی نیازهای واقعی، هنجارها، باورها و نگرش‌های روستاییان از طرف سازمان‌های دست‌اندرکار مسائل آموزشی روستایی کمک می‌کند تا این جوامع را بهتر بشناسند و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب‌تر و اثربخش‌تری را در ارتباط با آنها ارائه دهند.

یافته‌های حاصله از تحقیق ماننت (۲۰۱۲). در ایالت اوهایو آمریکا نشان داد که در حوزه‌های آموزش و توانمندسازی روستاییان، برنامه‌ریزی مناسب، مدیریت رفتار یادگیرندگان، روش‌های اجرایی مناسب و ارزشیابی آموزشی بیشترین حرفه‌ای آموزشگران است.

نتایج مطالعات مهم انجام شده در زمینه تأثیر آموزش‌های توانمندساز روستایی در ایالت نیوآسکای آمریکا با نظارت و هماهنگی مک کلین^۱ (۲۰۱۲) نشان داد، از آنجا که هدف نهایی از آموزش روستاییان کارایی و بهره‌وری بیشتر است؛ بنابراین، آگاهی از نتایج و بازده آموزش‌ها، لازمه برنامه‌ریزی مطلوب فرآیند آموزش است و با این کار است که حلقه آموزشی

^۱. McClean

تکمیل می‌شود. در حقیقت ارزیابی تأثیر دوره‌های آموزشی از یک سو، آینه‌ای فراهم می‌آورد تا دست‌اندرکاران آموزش روستایی تصویری روشن‌تر از چگونگی کم و کیف فعالیت‌های آموزش روستاییان به‌دست آورند و همچنین نسبت به جنبه‌های مثبت و منفی برنامه آگاهی پیدا کنند و از این راه به اثربخش کردن برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی برای روستاییان یاری رسانند.

مطالعه ویلیام (۲۰۱) بیان‌کننده آن است که یک برنامه آموزشی مطلوب برای بهره‌برداران روستایی باید بتواند چاره‌ای ایده‌آل برای پشتیبانی بهتر نیازهای گوناگون مخاطبان خود باشد. به همین دلیل است که (سو آن سون و دیگران، ۱۹۹۰)، یک نظام و دانش آموزش بزرگسالان را مشتمل بر مؤلفه‌ها و سیاست‌های توسعه، عوامل اجتماعی فرهنگی، بوم‌شناسی متناسب با نیازها و مشکلات روستاییان، ساختار و عوامل نهادی مؤثر، فرایند توانمندسازی و مدیریت یادگیری ساختار تعیین شده در هر کشور می‌دانند که به‌طور پیچیده‌ای با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند.

تحقیق فروشانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که بی‌ماهنگی برنامه‌های آموزش روستاییان کشور با شیوه‌های جدید، مهم‌ترین مشکل این بخش است. کما اینکه یافته‌های پژوهش (منفرد، ۱۳۹۲)، حاکی از آن است که کارایی و اثربخشی آموزش‌های موجود روستاییان در حد میزان ارزش و اهمیت واقعی آن‌ها نیست.

آموزش مناسب برای بزرگسالان روستایی کشور، مهم‌ترین عامل در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روستاها است. با وجود این، مسائل و مشکلاتی از جمله عدم دسترسی به مراکز آموزشی، پایین بودن سازگاری محتوای آموزشی با نیازهای فراگیران، کمبود آموزشگران مجرب، عدم پاسخگویی روش‌های سنتی به مخاطبان برنامه‌های آموزش روستاییان، از جمله عوامل توفیق کم این نظام است (یوردنوا، ۲۰۱۳).

ارتقاء نگرش و شناخت بزرگسالان روستایی برای پذیرش نوآوری‌ها و تغییرات در ابعاد مختلف آن، مستلزم بهره‌گیری از یک الگو، نظام دانش و در نظر داشتن ویژگی‌های بوم‌شناسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، و نیز ملاحظه ابعاد فنی برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریت یادگیری و توانمندسازی هر کشور است (دی برون و مورگان، ۲۰۱۴). زیرا نتایج یک الگوی مطلوب باعث گسترش کمی و کیفی عوامل تأثیرگذار بر تربیت و آموزش روستاییان و بهبود معیارهای پایه زندگی و همچنین بهره‌دهی حرفه‌ای آن‌ها می‌شود (ملک محمدی، ۱۳۹۵).

از طرفی با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی در عرصه‌های مختلف ضرورت طراحی الگوی برنامه آموزشی مناسب برای پاسخگویی به نیازهای روز روستاییان، بیش از پیش احساس می‌شود (اسکات، ۲۰۱۰). و تفکر در حوزه کیفیت آموزشی و ارتقاء خدمات آموزشی در قالب الگوی جدید آموزشی می‌تواند دارای اهمیت خاص باشد (بیکت، ۲۰۱۲).

بر پایه آن چه یادشده و نیز در نظر داشتن مبانی نظری و پیشینه‌های مربوط به موضوع مورد بررسی می‌توان باور داشت که داشتن روستایی آباد و تأثیرگذار در توسعه کشور نیازمند داشتن روستاییانی آگاه و ماهر است و این مهم نیز با ابزار آموزش و توانمندسازی قابل دستیابی است (شهبازی، ۱۳۹۵). از این رو مسأله اصلی این مطالعه صرفاً توجه به آموزش بزرگسالان روستایی نیست، زیرا مسئولان و برنامه‌ریزان برای نظام‌مند کردن و اولویت‌بخشی آموزش‌های رسمی و متمرکز در خارج از محیط‌های روستایی و با رویکرد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولتی و تعمیم آن به مخاطبان روستایی تاکنون اقدام قابل توجهی را انجام داده‌اند، اما به نظر می‌رسد که برای برخورداری از یک روستایی فعال، پویا، بهره‌ور در کنار وجود روستاهای آباد و با مردمانی مشارکت‌جو، فراسوی اقدامات انجام شده، نیازمند داشتن یک الگو و طرحی مناسب و مؤثر آموزشی، به منظور جلب مشارکت فعال بزرگسالان روستایی در کنار آموزش‌دهندگان ماهر در محیط‌های روستایی است. در همین راستا، پژوهش حاضر با اهداف: شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده الگوی آموزش بزرگسالان روستایی، بررسی چگونگی وضع موجود و مطلوب آموزش بزرگسالان روستایی کشور، ارائه الگو و مدل مفهومی آموزش روستایی، تعیین درجه تناسب و اعتبار الگوی ارائه شده، به شرح ذیل انجام شده است.

روش

هدف کلی پژوهش تدوین الگوی مناسب برای آموزش بزرگسالان روستایی کشور بود. پژوهش با دیدمان آمیخته (اکتشافی) انجام شد. بنابراین، در مرحله کیفی، ابتدا برای شناسایی نظریه‌ها، مفهومی‌ها و مؤلفه‌های نظری الگوی آموزش روستاییان، با روش نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند به شیوه زنجیره‌ای تعداد ۱۵ تن از صاحب‌نظران انتخاب شدند که فعالیت علمی - دانشگاهی یا سوابق مدیریتی و اجرایی در زمینه آموزش روستاییان داشتند، و از آنها مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به عمل آمد. در ادامه، داده‌های حاصل از مصاحبه اولیه پس از

مرور داده‌ها، تدوین راهنمای کدگذاری، سازماندهی داده‌ها، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، تدوین گزارش نهایی تحلیل طبقه‌بندی و مفاهیم اولیه شناسایی شدند. سپس به‌منظور تعدیل دستاوردهای حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انفرادی و تعدیل یافته‌ها و افزایش اعتبار یافته‌ها، با استفاده از گروه کانونی با حضور ۸ نفر از آگاهان کلیدی و همگن تشکیل شد که در مرحله اول مصاحبه شرکت داشته‌اند. با تشکیل گروه کانونی، یافته‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش اصلاح و تعدیل شده و مؤلفه‌های شناسایی شده در قالب الگوی مفهومی پژوهش تدوین شد. به این وسیله مفهوم‌های نخستینی که دارای اشتراک در طبقه‌های بالاتر بودند در قالب ۸ مؤلفه اصلی شامل نیازهای آموزش روستاییان، اهداف آموزش روستاییان، محتوای آموزشی برای آموزش روستاییان، تعیین روش‌های آموزشی برای آموزش روستاییان، مدیریت آموزش روستاییان، ارزشیابی آموزش روستاییان، فضا و محیط آموزشی، و همچنین آموزشگران و مربیان دوره‌های آموزش روستاییان و ۳۲ زیر مؤلفه استخراج و نقشه مفهومی و الگوی اولیه ارائه شد.

در بخش کمی پژوهش، به‌منظور گردآوری داده‌های کمی از نمونه وسیع‌تر برای آزمون و برآورد اعتبار الگوی مفهومی به‌دست آمده از مرحله کیفی پژوهش و همچنین میزان تعمیم‌پذیری آن را در جامعه پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به توصیف و آزمون مفهوم‌ها و مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی اقدام شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۶۰۰ تن کارگزاران نظام آموزش روستاییان شامل مدیران، رئیس گروه‌ها، اعضای هیأت علمی، مجریان و مربیانی بودند که در ۶۴ مرکز سازمان تحقیقات و آموزش بزرگسالان روستایی سراسر کشور مسئولیت آموزش و توانمندسازی روستاییان را بر عهده دارند. شمار نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۹۳ تن تعیین شدند. با توجه به اینکه جامعه آماری شامل پنج طبقه افراد مختلف بودند، برای تعیین سهم هر طبقه از کل نمونه‌ها، از روش طبقه‌ای تناسبی استفاده شد. همچنین برای تعیین نمونه‌های پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تناسبی دو مرحله‌ای استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته حاصل از محتوای داده‌های اولیه روش کیفی، گردآوری شد. برای تعیین اعتبار سازه‌ای پرسشنامه از روش روایی همگرا (CR) و در قالب تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که نتیجه شاخص میانگین واریانس استخراج شده $AVE=0/598$ نشان از تأیید اعتبار سازه ابزار مورد استفاده دارد. به‌منظور محاسبه پایایی

پرسشنامه، آزمون مقدماتی روی ۳۰ تن از نمونه‌های مرتبط انجام شد که محاسبه ضریب آلفای ترتیبی در سطح $\alpha = 0/89$ گویای قابلیت اطمینان و همسانی درونی آن است. برای تحلیل داده‌های کمی از شاخص‌های آمار توصیفی و تحلیل، آزمون *Utest*، تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از گردآوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از پژوهش به تفکیک هر یک از سؤال‌های پژوهش به شرح ذیل بررسی می‌شود.

در مرحله اول، پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بود که نظریه‌ها، مفهومی‌ها و مؤلفه‌های نظری تأثیرگذار بر انتخاب الگوی مفهومی برنامه آموزش بزرگسالان روستایی کدام هستند. به منظور پاسخ‌دهی به این سؤالات از روش پژوهش کیفی استفاده شد. بدین منظور، با آگاهان کلیدی حوزه آموزش غیر رسمی و توانمندساز روستاییان که دارای فعالیت و پیشینه علمی-پژوهشی یا سوابق مدیریتی و اجرایی مرتبط بودند، مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد که نتایج گزاره‌های کلامی هر یک از شنودگان در ارتباط با ارکان و مؤلفه‌های برنامه آموزش روستاییان در جدولی اولیه حاوی ۱۵ کد بخش مصاحبه و ۱۵۴ پاسخ کوتاه مصاحبه و همچنین ۹۰ کد مفهومی‌های شناسایی شده تنظیم شد که در طبقه‌بندی مرحله دوم، مفاهیم شناسایی شده در قالب ۸ مقوله اصلی و ۸۵ مفهوم شناسایی تعدیل شد. در مرحله دوم سؤال پژوهش این بود که الگوی نظری آموزش روستاییان به چه صورت است. به منظور پاسخ به این سؤال بعد از شناسایی و کدگذاری مفهومی‌ها و مؤلفه‌ها در مرحله اول مصاحبه، جهت مشخص شدن اعتبار داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختار یافته و با هدف تنقیح تحلیل‌های انجام شده و اعتباریابی مؤلفه‌های شناسایی شده، اصلاح موارد و حصول توافق بر مؤلفه‌های شناسایی شده، بحث گروه کانون با حضور ۸ نفر از همان مطلعان کلیدی برگزار شد که در مرحله مصاحبه انفرادی نیز حضور داشتند. بعد از ضبط و ثبت و کدگذاری باز و محوری داده‌ها، الگوی نظری ذیل در قالب ۸ مؤلفه اصلی و ۳۲ زیر مؤلفه به شرح ذیل تدوین شد.



نگاره ۱: الگوی اولیه نظری آموزش بزرگسالان روستایی کشور

در ادامه چگونگی وضعیت موجود و مطلوب آموزش بزرگسالان روستایی به عنوان سؤال سوم پژوهش مد نظر بود.

برای پاسخ به این سؤال، پرسشنامه‌ای دو وجهی حاوی مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های به‌دست آمده از مرحله کیفی طراحی، و به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. پرسشنامه بین ۳۹۳ تن از پاسخگویان توزیع و بعد از جمع‌آوری، نظرات استخراج شد. بعد از توصیف جمعیت شناختی پاسخگویان، برای مقایسه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های نظری به‌دست آمده با شرایط وضعیت موجود آموزش روستاییان، با استفاده از میانگین رتبه‌ای، انحراف معیار، ضریب تغییرات، نسبت به بررسی میزان توجه به این مؤلفه‌ها در شرایط کنونی و میزان تأثیر آن‌ها در شرایط مطلوب از منظر پاسخگویان اقدام شد. سپس برای آزمون نتایج توصیفی به‌دست آمده و همچنین مقایسه میانگین مؤلفه‌های مؤثر بر الگو در وضعیت موجود و مطلوب از آزمون من‌ویتنی استفاده شد. نظر به اینکه sig در تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی کوچک‌تر از $0/01$ است، می‌توان بیان کرد بین وضع موجود و مطلوب در تمام مؤلفه‌های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد و از نظر افراد مورد مطالعه، مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش دارای اهمیت زیادی بوده و در وضعیت موجود، مؤلفه‌های برنامه آموزش روستاییان در شرایط تطبیق با مؤلفه‌های حاصل از پرسشنامه پژوهش مناسب نبودند.

جدول ۱: نتایج مقایسه دیدگاه پاسخگویان درباره وضع موجود و مطلوب مؤلفه‌های آموزش روستاییان

نام مؤلفه	وضع	میانگین	انحراف معیار	Mann-Whitney U	p
نیازسنجی آموزشی روستاییان	وضع موجود	۳/۰۱۸	۰/۴۸	۱۲۳۱۹/۰۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۹۸۴	۰/۴۳		
اهداف آموزشی روستاییان	وضع موجود	۲/۹۴۳	۰/۵۷	۱۱۴۳۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۹۱۷	۰/۳۵		
محتوای آموزش روستاییان	وضع موجود	۲/۹۱۷	۰/۴۴	۱۶۹۹۹/۵۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۶۸۵	۰/۳۵		
روشهای آموزش روستاییان	وضع موجود	۲/۶۵۱	۰/۳۱	۶۲۹۷/۵۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۲/۸۰۷	۰/۳۶		
مدیریت آموزش روستاییان	وضع موجود	۲/۹۲	۰/۳۹	۶۳۳۴/۵۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۹۵	۰/۳۸		
ارزشیابی آموزش روستاییان	وضع موجود	۲/۵۳	۰/۳۲	۱۸۳۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۹۰	۰/۳۹		
فضای آموزشی روستاییان	وضع موجود	۲/۹۳	۰/۴۴	۱۲۳۵۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۸۶	۰/۵۱		
آموزشگران دوره‌های آموزشی	وضع موجود	۲/۹۴	۰/۳۶	۵۷۴۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	وضع مطلوب	۳/۸۶	۰/۲۹		

سؤال چهارم این پژوهش بررسی میزان اعتبار الگوی نظری ارائه شده برای برنامه آموزش بزرگسالان روستایی بود. به منظور اعتبار سازه‌ای پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری تأییدی مربوط به برنامه آموزش روستاییان، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار LISREL8.5، تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری تحلیل شدند. در ابتدا برای بررسی وضعیت تأثیر عامل‌های مکنون متغیرهای مشاهده شده با متغیر زیر بنایی در سطح بالاتر و همچنین سطح اعتبار، معناداری و برازش تأثیر تمامی متغیرهای مکنون در تشکیل سازه، مؤلفه‌ها با استفاده از آزمون t سنجیده شد که نتایج آن در جدول ذیل آمده است.

جدول ۲: مقادیر بارهای مستخرج از تحلیل عاملی تأییدی برای اعتبار سازه

عامل	علامت مدل	بارعاملی استاندارد شده	مقدار t	AVE	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
نیازسنجی آموزشی	تناسب با اهداف و سیاست‌ها	۰/۷۷	-	۰/۶۶۶	۰/۷۹۹	۰/۷۶۱
	سازماندهی و طبقه‌بندی نیازها	۰/۸۶	۱۱/۴۹			
اهداف آموزشی	انتقال دانش و اطلاعات کاربردی	۰/۵۷	-	۰/۵۳۲	۰/۷۲۹	۰/۷۱۲
	توجه به دانش نگرش و مهارت	۰/۵۰	۷/۷۶			
	تغییر در بینش	۰/۷۰	۸/۹۵			
	توجه به مشارکت روستاییان	۰/۶۱	۸/۳۴			
محتوی	پوشش اهداف اجتماعی	۰/۵۷	۷/۷۸	۰/۵۳۶	۰/۷۵۸	۰/۷۱۰
	به روز بودن محتوا	۰/۶۴	-			
	تناسب با شرایط روستاییان	۰/۵۷	۸/۱۲			
	تناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی	۰/۶۵	۹/۴۷			
	جامعیت و سودمندی محتوا	۰/۶۷	۱۰/۰۲			
روش‌های آموزش روستاییان	تناسب با امکانات و شرایط روستاییان	۰/۵۰	-	۰/۵۶۶	۰/۸۰۶	۰/۷۵۲
	توجه به ویژگی‌های مخاطبان	۰/۵۱	۶/۹۸			
	توجه به صلاحیت آموزشگران	۰/۸۸	۸/۶۵			
	بهره‌گیری از روش‌های مشارکتی	۰/۶۵	۷/۷۹			
مدیریت آموزش روستاییان	روش‌های مناسب و متنوع	۰/۷۹	۸/۴۴	۰/۵۵۶	۰/۸۳۳	۰/۷۸۶
	منابع و امکانات مناسب	۰/۷۸	-			
	توجه به صلاحیت مجریان	۰/۷۰	۱۲/۱۴			
	اجرای مناسب دوره	۰/۷۲	۱۲/۳۶			
ارزشیابی آموزشی	ایجاد انگیزش برای مجریان	۰/۷۸	۱۴/۱۴	۰/۶۱۴	۰/۸۸۸	۰/۷۸۵
	کاربرد مدل‌های مناسب	۰/۷۱	-			
	توجه به ارزیابی نتیجه‌گرا	۰/۷۷	۱۲/۹۶			
محیط یا فضای آموزشی	انعکاس نتایج ارزشیابی	۰/۷۵	۱۳/۹۸	۰/۶۷۸	۰/۸۶۰	۰/۷۹۶
	ارزشیابی مشارکتی	۰/۸۴	۱۳/۹۳			
	بهره‌گیری از محیط شغلی	۰/۷۹	-			
	بهره‌گیری فضای دانشگاهی	۰/۶۷	۱۲/۲۳			
آموزشگران آموزش روستاییان	ایجاد محیط سرشار	۰/۹۸	۱۴/۷۹	۰/۶۴۱	۰/۸۷۶	۰/۸۰۲
	تدوین دستورالعمل‌های مناسب	۰/۹۳	-			
	شرایط فردی و حرفه‌ای مربیان	۰/۷۸	۱۳/۹۹			
	بهره‌گیری از تجربه روستاییان خبره	۰/۸۱	۱۴/۲۲			
آموزش	داشتن توان علمی و تخصصی	۰/۶۶	۱۰/۶۰	۰/۸۴	۰/۸۴	۱۳/۰۰
	به‌کارگیری از مهارت تسهیل‌گری در آموزش	۰/۸۴	-			

نتایج حاصل از ضرایب معناداری در جدول ۲، محاسبه شده از طریق نرم‌افزار، نشان داد که مقادیر t به دست آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه از ۱/۹۶ بزرگ‌تر بوده و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنادار بوده است.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده جدول (۲)، مقادیر میانگین واریانس استخراج شده برای سازه‌ها در حد مطلوب (بالاتر از ۰/۵) و پایایی سازه (۰/۸۱۸) $(AVE=0.598)$ برای کلیه متغیرهای نهفته (سازه‌ها) بیشتر از ۰/۷ است (منبع: یافته‌های پژوهش). بنابراین، نتایج اندازه‌گیری مرحله دوم الگوی برنامه آموزش بهره‌برداران شواهد قابل قبولی برای اعتماد یا پایایی شاخص‌ها برای عملیاتی کردن متغیرهای نهفته ارائه داده‌اند. در ادامه برای سنجش برازش الگوی ارائه شده، از هشت آماره و شاخص استفاده شد که نتایج میزان انطباق مدل پژوهش با شاخص‌ها به ترتیب در جدول ذیل آمده است

جدول ۳: سنجش برازش الگوی ارائه شده

مقدار	دامنه مورد قبول	شاخص‌های برازش
۲/۸۵	کم‌تر از ۳	$\frac{x^2}{df}$ (کای اسکویر نسبی)
۰/۰۶۹	کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۸	جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
۰/۹۱	بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰	ریشه دوم میانگین مجذورات پس مانده‌های استاندارد (SRMR) شده
۰/۹۰	بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۹۱	بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)
۰/۹۳	حدود یک	شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)
۰/۹۱	بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۱	بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۰	شاخص تعدیل شده نیکویی برازش (AGFI)

نتایج مندرج در جدول (۳)، شاخص‌های برازندگی به دست آمده نشان دهنده برازش مطلوب الگوی مورد مطالعه با داده‌های مشاهده شده هستند. شاخص کای اسکویر بر درجه آزادی با مقدار ۲/۸۵ و کمیت‌های t (در سطح معناداری یک درصد) حاکی از اعتبار مطلوب شاخص‌های مورد مطالعه است. همچنین با توجه به اینکه شاخص نیکویی برازش $(GFI=0.91)$ و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش $(AGFI=0.91)$ به یک نزدیک‌تر است، حاکی از برازش مناسب مدل است (هومن، ۲۰۱۲). همچنین معیار ریشه میانگین باقیمانده‌ها

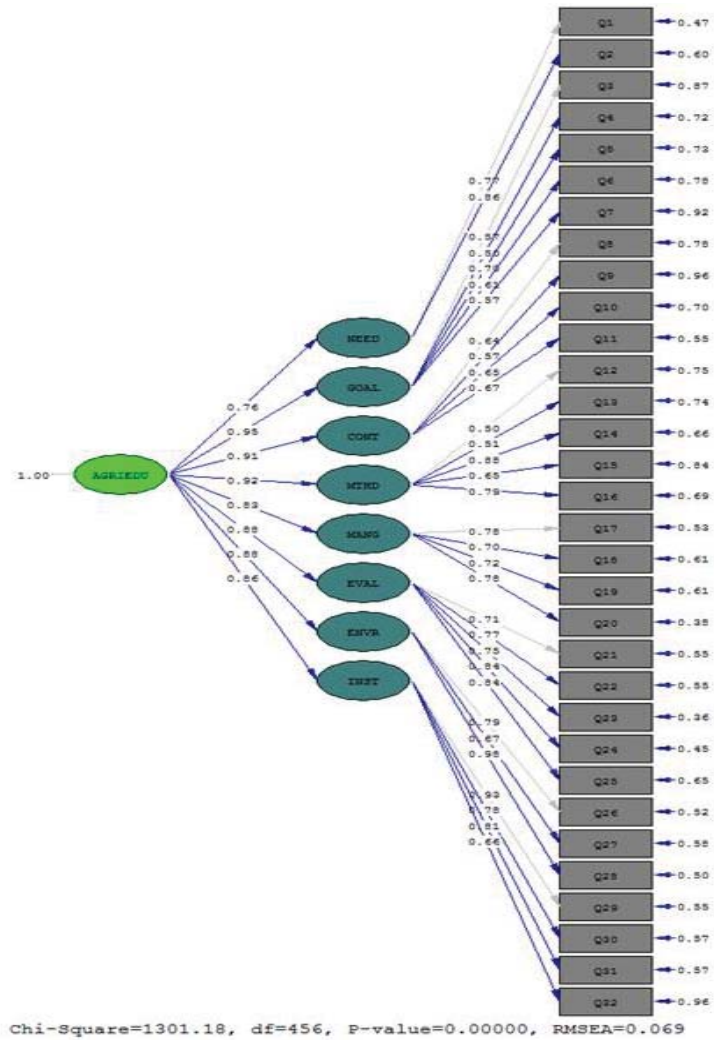
($RMSEA=0/069$) که شاخصی برای اندازه‌گیری متوسط باقیمانده‌ها است، در تحقیق حاضر تأیید شد. این شاخص هرچه کوچک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش خوب مدل استکلانتری (۲۰۰۹). همان‌طور که از مدل برازش شده در جدول (۳) پیدا است، بارهای عاملی استاندارد شده گویه‌ها حاکی از آن است که ابزار اندازه‌گیری از اعتبار سازه‌ای مناسبی بهره‌مند است.

در ادامه برای استفاده از رتبه‌بندی و تعیین سهم بار عاملی (ضریب گاما) هر یک از سازه‌ها مؤثر در شکل‌گیری سازه نهایی الگوی برنامه آموزش روستاییان کشور، ضرایب و مقدار معناداری آن با استفاده از مقدار c محاسبه شد.

جدول ۴: رتبه‌بندی اثر سازه‌های مرتبه اول در تشکیل سازه مرتبه دوم، همراه با مقدار c و بارهای عاملی

رتبه	رابطه سازه مرتبه اول بر سازه مرتبه دوم روستاییان	γ	c	p
۱	نیازسنجی آموزش روستاییان	۰/۷۶	۱۱/۹۸	۰/۰۱
۲	اهداف آموزش روستاییان	۰/۹۵	۱۰/۱۸	۰/۰۱
۳	محتوای آموزش روستاییان	۰/۹۱	۱۰/۱۸	۰/۰۱
۴	روش‌های آموزش روستاییان	۰/۹۲	۸/۸۸	۰/۰۱
۵	مدیریت آموزشی روستاییان	۰/۸۳	۱۳/۴۴	۰/۰۱
۶	ارزشیابی و ارزیابی آموزش روستاییان	۰/۸۸	۱۳/۶۸	۰/۰۱
۷	محیط یا فضای آموزش روستاییان	۰/۸۸	۱۴/۳۰	۰/۰۱
۸	آموزشگران و مجریان آموزش روستاییان	۰/۸۶	۱۴/۹۱	۰/۰۱

جدول ۴ نشان می‌دهد که الگوی برنامه آموزش بزرگسالان روستایی پژوهش تابعی از هشت متغیر مکنون است. همچنین می‌توان گفت که معادلات ساختاری، شدت رابطه بین عامل‌های مرتبه اول و عامل مرتبه دوم را نشان می‌دهند. بر اساس مقدار ضریب گاما اهداف آموزشی (۰/۹۵) مهم‌ترین نقش را در سازه مرتبه دوم در برنامه‌های آموزش روستاییان داشت. پس از آن متغیر مکنون روش‌های آموزشی (۰/۹۲) و محتوای آموزش (۰/۹۱) به عنوان قوی‌ترین سازه مرتبط در این تحقیق شناسایی شد. علاوه بر آن باید اذعان کرد که تأثیر تمامی متغیرهای مکنون در تشکیل سازه مرتبه دوم به لحاظ آماری در سطح معناداری هستند ($t > 1/96$).



نگاره ۲: الگوی برازش یافته آموزش بزرگسالان روستایی کشور

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌شک موفقیت و اجرای مناسب برنامه‌های آموزش بزرگسالان روستایی کشور، مستلزم چارچوبی جامع و منسجم است. این چارچوب باید به گونه‌ای طراحی و تدوین شود که زوایای مختلف مؤثر بر اثر بخشی آموزش‌ها را در برگیرد. در همین راستا، در این پژوهش با تمرکز بر طراحی الگوی مناسب برای آموزش بزرگسالان روستایی کشور، ابتدا نظریه‌ها، مفهومی‌ها و عوامل و مؤلفه‌های موضوع پژوهش شناسایی، طبقه‌بندی و استخراج شدند، سپس با بررسی روابط مفهوم‌ها و تعدیل آن‌ها در سطح بالاتر، نقشه مفهومی و الگوی اولیه ارائه شد. در مرحله کمی، ابتدا مؤلفه‌ها در وضعیت موجود بررسی شد و در ادامه با تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری، با رابطه‌هایی که از مؤلفه حاصل شد، الگویی برای برنامه آموزش بزرگسالان روستایی کشور ارائه شده است. بحث و نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که:

نتایج آزمون t و همچنین تحلیل عاملی و برازش مؤلفه‌ها نشان داد که نیاز آموزشی بزرگسالان روستایی که پایه فرایند هر برنامه مطلوب آموزشی محسوب، یکی از مؤلفه‌های مهم برای موفقیت آموزش روستاییان است، متغیر مکنونی است که از نظر آماری در سطح معناداری مؤثر بر تشکیل الگوی برنامه آموزشی بود. هودگر (۱۳۹۳)، نیز در تحقیق خود با عنوان «بررسی و مدل‌یابی نیازهای آموزشی روستاییان استان مازندران»، این نتیجه را تأیید کرده است. در گزارش تحقیق آن‌ها آمده است که ۲۲/۳ درصد از احتمال موفقیت برنامه‌های آموزش توانمندساز روستاییان به خاطر تشخیص و تعیین صحیح متغیر نیازهای آموزشی است. این در حالی است که بیشتر برنامه‌هایی که به صورت کارگاه‌های آموزشی در مراکز آموزش روستاییان انجام می‌شود به جای تأکید بر نیازهای احساس شده آشکار روستاییان، بر مبنای برنامه‌ها و سیاست‌های جاری بخش دولتی استوار است. همچنین نتایج یافته‌های مطالعه باریک و دفورت^۱ (۱۹۹۰) اهمیت توجه به ابعاد نیازهای آموزشی روستاییان را در برنامه آموزشی کشور آمریکا نشان داده است. نتیجه مطلوب این پژوهش با یافته‌های به دست آمده از تحقیق سندو و داهاما^۲ (۲۰۱۳) نیز مطابقت دارد، آن‌ها نیز بدین نتیجه رسیدند که نیاز واقعی آموزش برای بزرگسالان روستایی زمانی است که آن‌ها نسبت به اختلاف واقعی بین وضع موجود و مطلوب

1. Barrick & Defort

2. Sandhu & Dahama

واقف شوند، یا از وضع موجود راضی نباشند. در این حالت فرد احساس نیاز به تغییر می‌کند و همزمان نیز در جستجوی مطلوب‌ترین شرایط می‌گردد که لازم است در همان زمان برای ارضای نیاز برانگیخته شوند و به دنبال جبران وضع موجود و ارتقاء دانسته‌های خود بروند.

نتیجه آزمون t و تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مؤلفه اهداف برنامه آموزش بزرگسالان روستایی و ۵ زیر مؤلفه آن با ضریب گامای ۹۵ درصد مهم‌ترین نقش را در سازه نهایی الگوی برنامه آموزش روستاییان داشته است. تحقیق علی میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، فاطمی‌امین و فولادیان (۱۳۹۲)، با نتیجه این تحقیق همخوانی دارد. آن‌ها نشان دادند که یکی از پیش شرط‌های موفقیت برنامه‌های آموزش روستاییان تعیین دقیق اهداف برنامه‌های آموزشی و تلاش در جهت برآورد کردن اهداف در طی اجرای برنامه است، مطالعات هنان (۲۰۰۳)، مشخص کرده است که اهداف آموزش روستاییان باید متناسب به نیازهای جامعه تدوین شود.

همچنین مقادیر ضریب گاما و معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که مؤلفه محتوای آموزش‌ها و ۴ زیر مؤلفه آن با ۹۱ درصد یکی موثرترین مؤلفه‌ها در تشکیل سازه الگوی برنامه آموزش بزرگسالان روستایی بوده است. این مؤلفه با مطالعات کلسی و هرن^۱ (۲۰۰۹) تطبیق دارد که معتقد هستند یک محتوای مناسب برنامه آموزشی برای روستاییان یک گزاره‌ای از موقعیت، اهداف و مشکلات و راهکارهای مناسب برای نیازهای احساس شده روستاییان تعیین می‌شود. همچنین این پاسخ مخاطبان با نظر لیگانز (۲۰۱۰) همخوانی دارد که محتوای یک برنامه آموزش روستاییان را مجموعه‌ای از اهداف آگاهانه تعریف می‌کند که بر اساس آکاوی دقیق و کافی از موقعیت خود تحلیلی روستاییان با توجه به شرایط جامعه محلی و کشت بوم صورت گرفته و از طریق فرایند یاددهی - یادگیری به تحقق برسد.

تحلیل مسیر پژوهش و معادلات ساختاری نشان داد که مؤلفه روش‌های آموزش روستاییان و ۵ زیر مؤلفه آن با ضریب گامای ۹۲ درصد، از جمله قوی‌ترین سازه مرتبط برای تشکیل سازه الگوی برنامه آموزشی ارائه شده است. دستاوردهای تحقیق فاطمی‌امین و فولادیان (۱۳۹۳) نشان داد که در نظر گرفتن روش‌های متناسب با شرایط و ویژگی‌های مخاطبان بزرگسال روستایی قبل از اجرا، از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در بحث برنامه آموزش

روستاییان است. در این زمینه نظریه توسعه‌ای موکرج^۱ (۲۰۱۱) تأیید می‌شود که بیان می‌کند در برنامه‌های توانمندسازی روستایی نباید روستاییان به عنوان ابزار و اشیاء قلمداد شده و در خدمت شرایط تصمیم‌سازان و مسئولان اجرایی فعالیت روستایی باشند. به باور پرتی و دیگران (۲۰۱۳)، بدون به‌کارگیری رهیافت‌های مشارکتی و نظر مخاطبان روستایی در تعیین روش‌ها که هم آن‌ها بیشترین اطلاعات و آگاهی را نسبت به شرایط زندگی شغلی خود دارند، دستیاب به اهداف آموزش و توانمندسازی و توسعه روستاییان به‌خصوص پایداری آن بسیار دشوار است. ایشان در ادامه تأکید می‌کند که به‌کارگیری هر روش آموزش و توانمندسازی، باید ضمن ارزش گذاشتن به دانش و مهارت آن‌ها زمینه خودتکاملی را برای آن‌ها فراهم آورد. در این زمینه همچنین به نظر جامسون^۲ (۲۰۰۹) و میکلسن^۳ (۱۹۹۷) انتخاب روش برای اجرای و برگزاری برنامه‌های توانمندسازی روستایی باید با در نظر گرفتن شرایط، نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانش آن‌ها مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

از جمله مؤلفه‌های که در این تحقیق به عنوان متغیر معنادار در تدوین الگوی نهایی نقش داشته است، مؤلفه مدیریت آموزش روستاییان و ۴ زیر مؤلفه آن است. چنانچه از دیدگاه افراد مورد مطالعه، وضعیت موجود مؤلفه مذکور با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. پژوهش خطیب زنجانی و همکاران (۱۳۹۳)، نشان دادند که مدیریت برنامه آموزش روستاییان یک عامل مهم در برنامه آموزش روستاییان محسوب می‌شود و به‌کارگیری منابع و امکانات مناسب، توجه به صلاحیت نیروی انسانی مراکز آموزش‌دهنده در اجرای دوره، به‌کارگیری افراد متخصص و با تجربه در پست‌های آموزشی، برنامه‌ریزی مناسب آموزشی، ارزیابی و ارزشیابی بهینه برنامه‌های آموزشی و ایجاد انگیزش برای عوامل انسانی آموزشی را شامل است.

همچنین نتایج t نشان داد که ارزشیابی آموزش یکی از مؤلفه‌هایی است که اثر مستقیم در تشکیل سازه الگوی آموزش روستاییان کشور داشته است (فراهانی، ۱۳۹۱). نشان داد که ارزشیابی یک مرحله مهم و اساسی ارتقاء کیفیت و اصلاح و بهبود فعالیت‌های آموزشی است. گوبا و لینکلین (۲۰۱۲) نشان دادند که ارزشیابی، بررسی فرایند اعمال صحیح فعالیت‌های

-
1. Mukherjee
 2. Jamieson
 3. Mikkelesn

آموزشی است. FAO (۱۹۹۵) در تحقیقات خود نشان داد که هدف اصلی ارزشیابی آموزش روستاییان، شناسایی تأثیر پیامدهای دوره‌های آموزشی بعد از پایان فرایند آموزشی و در عملکرد و رفتار آن‌ها است که با مشارکت خودشان پی‌گیری می‌شود. بدیهی است ارزشیابی صحیح و آن هم به صورت مشارکتی، به عنوان یک فرایند تدریس و یادگیری است که فراگیران و آموزشگران به‌منظور شفاف کردن اهداف و استانداردهای انجام می‌شود.

دستاوردهای این پژوهش همچنین حاکی از تأثیر معنادار آموزشگران آموزش روستاییان و ۴ زیر مؤلفه آن در موفقیت و تدوین الگوی مناسب برنامه آموزشی است. نتیجه تحقیق کاستر^۱ و همکارانش (۲۰۱۳)، نیز نشان دادند مریبان باید دارای صلاحیت‌های تخصصی شامل داشتن اطلاعات لازم در زمینه دانش تخصصی، توسعه و به روز نگه داشتن آن، برقراری ارتباط با مخاطبان، هدایت انجام وظایف، تحلیل و روشن‌سازی دیدگاه‌های فراگیران، سازماندهی شامل تعیین سیستم عملکرد مخاطبان، مدیریت زمان و تنظیم برنامه درسی مطابق هدف‌های آموزشی، پداگوژی شامل کمک به فراگیران و تعیین نیازهای یادگیری، تنظیم برنامه درسی براساس نیاز مخاطبان مختلف، طراحی فعالیت‌هایی برای تسهیل یادگیری و رشد فراگیران، استفاده از فن‌آوری اطلاعات در تدریس، صلاحیت رفتاری شامل داشتن رویکرد دموکراتیک، نگرش پیش کنشی، کنجکاوی در مورد تازه‌ها، صداقت و درستی باشند.

بررسی تحلیل عاملی مسیر پژوهش حاضر و ۵ زیر مؤلفه همچنین نشان داد که مؤلفه محیط و فضای آموزشی یکی از مؤلفه‌های مهم تشکیل‌دهنده الگوی برنامه آموزش روستاییان است. این مؤلفه با نتایج بررسی (پولکینن، سالمون و چکلند، ۲۰۱۱)، مطابقت دارد. آن‌ها نشان دادند که محیط و موقعیت آموزشی روستاییان، کلیه رفتارهای مورد قبول، همه انتظارات و امور خاص، کلیه اجزاء محتوای خاص آموزشی و اهداف است. همچنین محیط یادگیری شامل همه اشیا، زمینه‌ها و رفتارهای بازیگرانی است که در توسعه، اجرا و ارزشیابی فرایندهای کاری آن محیط نقش دارند و در دو بعد فیزیکی و فرهنگی جلوه‌گری می‌شود.

پیشنهادات اجرایی برخاسته از پژوهش به شرح زیر است:

- با توجه به تأیید الگو از طرف جامعه آماری پیشنهاد می‌شود تا شورای اعتبارسنجی در مراکز

آموزش بزرگسالان روستایی مستقر و با توجه به فلسفه و اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد، زمینه اجرایی این الگو را برای برنامه‌های آتی آموزش بزرگسالان روستایی فراهم شود.

- با توجه به یافته‌های پژوهش در موضوع محیط آموزشی پیشنهاد می‌شود، اعم فعالیت‌های آموزش بزرگسالان روستایی با توجه به پتانسیل‌های محیط زندگی و شغلی آن‌ها و حین کار، مشارکتی فعال و گروهی برنامه‌ریزی گردد.

- کیفی‌سازی آموزش‌های ادواری برای بزرگسالان روستایی، تهیه بسته‌های تشویقی برای شرکت روستاییان در آموزش‌های توانمندساز، تعیین نیاز آموزشی با توجه به مشکلات احساس شده، علایق و اولویت‌های، همچنین تعیین اهداف آموزشی در راستای توسعه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و به‌خصوص حرفه‌ای و شغلی، تعیین روش‌های آموزش مشارکتی و با راهبرد یاددهی و یادگیری، تدوین محتوا و منابع آموزشی مناسب با ویژگی‌های دانش و تجربیات آن‌ها، انجام ارزشیابی آموزشی عینی، از دیگر پیشنهادها نتایج پژوهش است.

محدودیت‌های این پژوهش:

- برنامه آموزش و توسعه روستاییان موضوعی وسیع و چندوجهی است به گونه‌ای که اتفاق نظر در مورد ابعاد و عناصر آن مستلزم توجه به تنوع مفاهیم این موضوعات از دیدگاه خبرگان برای دستیابی به فصلی مشترک بود.
- از آنجا که تحقیق فعلی در حوزه تحقیقات علوم انسانی و مدیریتی انجام شده است، امکان تأثیرگذاری برخی متغیرها که خارج از کنترل پژوهشگر است، بر نتایج پژوهش دور از ذهن نیست.
- همچنین روش پژوهش ترکیبی و گستره اجرای پژوهش در سطح کل کشور و مسائل ناشی از تحلیل و ترکیب داده‌های کیفی و کمی از جمله محدودیت‌های پژوهش بود.
- روش پژوهش آمیخته مبتنی بر پارادایم پژوهشی پساساخت‌گرایی است که بر مبنای آن پژوهشگر مجبور است، برای شناخت بهتر پژوهشگر به بازنمایی چندگانه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی در بافت‌های گوناگون محیطی به صورت کیفی بپردازد.

منابع

- حاجی میر رحیمی، داود و دیگران (۱۳۹۱)، تدوین الگوی قابلیت های حرفه ای آموزشگران مؤسسات و مراکز آموزش روستایی.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۴). استفاده از الگوی سازنده‌گرایی برای افزایش دانش تلفیق تکنولوژی. نشریه علمی - پژوهشی فناوری آموزش، ۱۰(۲): ۱۶۴-۱۵۵.
- فردانش، هاشم (۱۳۸۷). طبقه‌بندی الگوهای طراحی سازنده‌گرا بر اساس رویکردهای یادگیری و تدریس. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۳۴: ۵-۲۲.
- قنبری، یوسف و برقی، حمید (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری آموزش‌های روستایی، نشریه راهبرد یاس، ۱۸: ۱۵۳-۱۶۵.
- کرمی، مرتضی (۱۳۸۷). تعیین الگوی مطلوب طراحی آموزشی در سازمان‌ها. *دومین کنفرانس توانمند سازی منابع انسان ایران*.
- جهان پناه، بیژن (۱۳۹۳). *اصول و روش‌های آموزش بزرگسالان*، تهران: هم‌پا.
- کافمن و هرمن (۱۳۸۴). *برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی*، ترجمه عباس بازرگان، فرید، مشایخی، تهران: مدرسه.
- Abbasi Rostami, A. A., Zabihollahnejad, Naserand Charmchian Langroudi, Mehdi (2014). Modeling the Educational Needs of Supervisors of Rice Cultivation and Production of Mazandaran Agricultural Consultancy Service Companies, *Journal of Agricultural Educational Management*, (32): pp. 41-57
- Abdolmaleki, Pezeshki Rad, and Chizari.(2012). Effectiveness of In-Service Courses for Trainers in Agricultural Education Centers in Enhancing Their Technical Knowledge. *Journal of Agricultural Promotion and Education Science*, 3(2): 97-104.
- Abedi, B. Baradaran, M. Khosravi Pour, B. Yaqubi, J. YazdanPanah, M. (2017). Formation of Agricultural Entrepreneurship and Natural Resources University Model from the Viewpoint of Education Management, *Agricultural Education Management Research*, (38): 124-139
- Alavian, Jaber & Noori, Hedayatollah (2015). Analysis of Factors Affecting Farmers 'and Villagers' Behavior in the Application of Educational Services in Guilan Province. 4(4):Serial No. 12, 163-176.
- Alavian, Jaber & Nouri, Hedayatollah(2015). An Analysis of Factors Affecting the Rural Behavior in the Application of Educational Services in Guilan Province. 4(4): Serial No. 12, 163-176.
- Barrick, R. K. & D. L. Doefort(2014). Assessing performance and planning in-service needs of first - year vocational agricultural teacher, *The Journal of the AATEA*, (31)3:10-19.
- Barrin, K.R. & Ladewig, H.W.(2007). "Development of a systematic approach to

- identify technicalin service needs of teachers”, *The Journal of American Association*. 21(1):13 -20
- Barro, G. D.(2012). A needs assessment model for conducting follow-up studies. *The Journal of Teacher Education*, 31 (3): 39-42
- Becket, N & Brooks(----). quality management in higher education: what quality are we actually.
- Bernard, G. D.(2013). A needs assessment model for conducting follow-up studies. *The Journal of Teacher Education*, 31(3): 39-42.
- Fami, Sha'ban Ali., GholiBeigi, Hossein, Sharif Zadeh, Abolqasem(2005). Approaches and techniques of participation in promoting agriculture and rural development. *Publication of Rural Development Institute*, pp. 1-354.
- Fami, Sha'ban Ali. Kalantari, Khalil,Asadi Ali.(2008). New Issues in Agricultural Promotion and Education, Agricultural Education, *Research and Promotion Organization publication*, 1-303
- Fardanesh, Hashem(2007). *Classification of constructive design patterns based on learning and teaching approaches*. Ferdowsi University Press, pp. 1-195
- Ghanbari, Yousef and Barqi, Hamid (2009). Investigating the Factors Affecting Rural Education Productivity Enhancement. *RahbordYas Journal*. No. 18
- Farahani, ALI.(2013). Using the constructivism model to increase the knowledge of technology integration. *Scientific – Research Journal of Technology Education*, 10(2): 155-164.
- Irvani, Houshang. Behravan, Jaleh (2015). *Human Resource Development Management (New Educational Approaches)*. Tehran University Press, pp. 78-195.
- Jomepour, M.(2010). *An Introduction to Planning for Rural Development (Perspectives and Methods)*. SAMT Publications, pp. 1-254.
- Kalantari, K.(2004). *Rural Sociology*. Publications of Payame Noor University, pp. 1-230.
- Karami, M. (2008). *Designing an Optimal Model for Educational Design in Organizations*. Second Conference on Iranian Human Resources Empowerment.
- KaramiDehkordi, Esmaeil. 2011. *Farmer Training in Rural Public Schools*, *Jihad Monthly*, 204, 40-61.
- Kaufman and Herman (2005). *Strategic Planning in the Educational System* (translated by Abbas Bazargan, FaridehMashayekhi), Madrese Publications, pp. 1-85.
- Koster, Bob, Mieke, Brekelmans, Fred, Korthagen & Theo, Wubbels(2005). Quality requirements for teacher educators, *Teaching and Teacher Education*, 21, Issues 2.
- Krsul.Plano Clarke (2012). *Combined research methods* (translated by AlirezaKiamanesh, Maryam DanaeiTusi), *Jahad University Press - AllamehTabatabaeeBranch*, pp. 1-162.
- Legans L.(2010). Embedding quality: the challenges for higher education. *Quality Assurance in Education*. 12(4): 157-65
- Koba,and linkon(2012). *Agricultural and Natural Resources Promotion and*

- Education: Fundamentals, *Nashr Daneshgahi Publications*, pp. 34-56
- Malek Mohammadi, Iraj (2016). *Agricultural and Natural Resources Promotion and Education: Fundamentals*, NashrDaneshgahi Publications, pp. 1-438.
- Mohobzadegan, Yousef(2013). *Designing the Faculty Development Model in Tehran Universities. Doctoral dissertation, Department of Educational Management, ShahidBeheshti University: Faculty of Education and Psychology.*
- Morgan, B. M & Price, L.(2015). The theory of planned behavior as a model for predicting public opposition to win farm developments. *Journal of environmental psychology*, 36(1):70-76.
- Mudukuti, A. E & Miller, L.(2013). Factors Related to Zimbabwe Women's Educational Needs in Agriculture. *Proceedings of the 18th Annual Conference.* Retrieved from <http://www.AIAEE.org>.
- Naeimi, Amir, Najafloo, Parisa, Sobhani, Seyyed Mohammad (2015). *the role of education, promotion and information in the development of biotechnology from the perspective of experts*, 33: 97-110.
- NavehEbrahim, Abdol-Rahim & Pourkarimi, Javad (2014). Presentation of a conceptual model for the improvement of faculty members of universities and higher education institutions. *Quarterly Journal of Educational Systems*, 2(5): 101-121.
- Qaemi, Alaleh, Larijani, Harim, Shobeiri, Seyyed Mohammad Sarmad, Mohammad Reza (2016). Development of an Environmental Education Model for Strengthening the Sustainability of Agricultural Primary Resources, *Journal of Urban Management*, 44: 77-96.
- Sarmad, Gholam Reza(2015). *Adult Education and Continuing Education*. SAMT Publication, pp. 1-352
- Shah Pasand & Mohammad Reza(2009). Determining the Components of the Professional Development of Coaches in Education Centers in the Ministry of Jihad-e-Agriculture. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Research*, 40: 139-148.
- Shahbazi, Esmaeil (2016). *Rural development and promotion*. Tehran University Press, pp. 1-804.
- Padaria, R. N., Baldeo Singh, N., Sivaramane, Yaswant K., Naik, Ravi Modi & S. Surya(2009). *A Logit Analysis of Bt Cotton Adoption and Assessment of Farmers', Training Need.*
- Poleklinte, S. & Land, G.(2013). Company based life-long learning. *Journal of high technologymanagement research*. 11(2): 259-319
- Viliamez.-Peter(2012). A model for facilitating curriculum development in higher education: a faculty-driven, data-informed, and educational developer- supported approach. In www.interscience.wiley.com. (2009- 11-16)
- W. E. (2013). *Analyzing Agricultural Technology Systems: some methodological Tools*. in R. Methods for Diagnosing Research Systemic constraints and Assessing the Impact of Rural Research: VoI. I. The Hague: ISNAR
- Website of Iranian Agricultural Information and Scientific Documents
www.agrisis.areo.ir

Website of the Ministry of Agriculture Jihad www.maj.ir

Website of the Office of Farming Jobs www.heraf.arei.ir

Website of the Office of Investigation and Coordination of Research Projects of the Ministry of Jihad-e-Agriculture WWW.hamahangi.arei.ir

Website of the Office of Scientific Relations and International Cooperation of the Ministry of Jihad-e-Agriculture www.disr.arei.ir

Website of the Organization for the Agricultural Study and Promotion in Iran <http://www.arei.ir>

Design and Validation of the Model of Rural Adults Education

Abbas Abbaspour¹

Associate professor, Faculty of Education and Psychology, Allameh Tabatabaei
University, Tehran, Iran

Yahya Mohajer

Associate professor, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Mojtaba Rajab Beigi

Associate professor, Agricultural Research, Education and Extension Organization
(AREEO), Tehran, Iran

Bijan Jahanpanah

PhD student of Educational Administration, Allameh Tabatabaei University,
Tehran, Iran

Abstract

The aim of the study was to provide an appropriate model for rural adult education in the country. The study was conducted using exploratory mixed-methods research. The statistical population of the study consisted of 1600 rural education employers out of which a sample was selected employing cluster random sampling. The qualitative data were collected through semi-structured interviews and focus groups, and in the quantitative part, a researcher-made questionnaire was used. 393 individuals who were selected using Cochran formula filled out the questionnaire. The qualitative data was coded systematically and in the quantitative section descriptive statistics, Utest, confirmatory factor analysis and structural equation model were used. The qualitative research findings showed the model of adult education program as including 8 components and 32 sub-components. In the quantitative part, Mann-Whitney test showed that there was a significant difference between the mean and the average of all components ($p < 0.1$) level. The education status of villagers was indicated to be not favorable. The results of two phases of the confirmatory factor analysis of the components also showed that the components and sub-components had sufficient factor loadings to predict the villagers' education program in the country. Furthermore, model fit indices showed that the rural education program model has a good model fit.

Keywords: Rural adult education, Educational model, Rural Education and Research Organization

1. Abbaspour1386@gmail.com

received: 2017-07-30

accepted: 2018-02-07

DOI: 10.22051/jontoe.2018.16623.1899